

## بهترین معلم

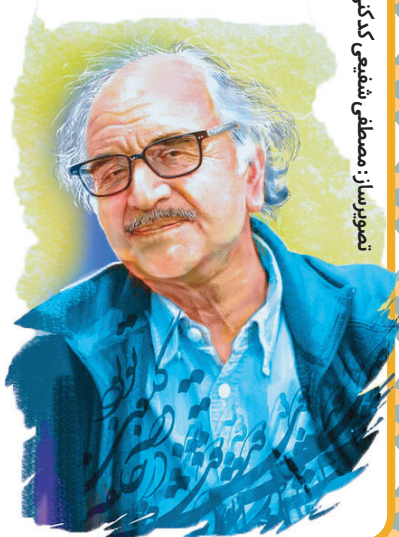


دانشگاه چه جور جایی است؟ چندتا کلاس بزرگ دارد و همه روی صندلی‌های دسته‌دار می‌نشینند؟ بیشتر دانشجویها همسن و سال‌اند؟ همه‌ی کسانی که سر یک کلاس هستند، رشته‌ی درسی‌شان یکی است؟ حالا من می‌خواهم بهت بگویم در دانشگاه تهران، کلاسی برگزار می‌شود که اصلاً شبیه این چیزهایی نیست که گفتیم. یک کلاس

بزرگ است با صندلی‌های دسته‌دار ولی آن‌قدر تعداد دانشجویها

زیاد است که خیلی‌هایشان روی زمین می‌نشینند. بعضی دانشجویهای این کلاس، ۲۰ ساله‌اند؛ بعضی‌ها ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ ساله! رشته‌ی درسی‌شان هم یکی نیست؛ یکی هنر می‌خواند، یکی ادبیات و یکی اصلاً دانشجو نیست. چطور ممکن است؟ این کلاس، یک استاد دوست‌داشتنی دارد. برای همین خیلی‌ها باعلاقه سرکلاش می‌نشینند و چیزهای زیادی درباره‌ی ادبیات یاد می‌گیرند. اسم این استاد، «محمد رضا شفیعی کدکنی» است. آقای شفیعی کدکنی، ۸۱ سال پیش در «کدکن» نیشابور به دنیا آمد. وقتی پسر کوچکی بود، پدرش به او زبان و ادبیات عربی یادداد. بزرگ‌تر که شد، به حوزه‌ی علمیه رفت و بعد تصمیم گرفت در دانشگاه ادبیات فارسی بخواند.

در همین سال‌ها شعر هم می‌سرود و حسابی در دنیای کلمه‌ها غرق بود. وقتی درسش تمام شد، باید مثل همه‌ی دانشجویها با نوشتن یک مطلب علمی به اسم «پایان‌نامه» ثابت می‌کرد که درسش را یادگرفته‌است. استاد‌های آقای کدکنی وقتی پایان‌نامه خیلی خوب او را دیدند، بی‌معطلی ازش خواستند در دانشگاه بماند و دانشش را به دیگران هم یاددهد. حالا حدود ۵۰ سال است که هر هفته روزهای سه‌شنبه آدم‌های زیادی سرکلاس آقای کدکنی حاضر می‌شوند که بعضی‌هایشان حتی از شهرهای دیگر می‌آیند.



تصویر ساز: مصطفی شفیعی کدکنی